



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

تندیس و نگاره در فقه اسلام با محوریت آراء امام خمینی (س)

استاد راهنما:

حضرت آیه الله العظمی عباسعلی روحانی

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عیسی ولایی

پژوهشگر:

معصومه گودرزی

آبان ماه 1391

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می باشد.

چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد راهنما و با مجوز

معاونت پژوهشی باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



در جاهلیت قرن بیستم،

نهضت توبعثی بود،

برای کاشتن بذرایمان، آزادی و استقلال در زمین و دل امت اسلام.

تقدیم به روح بلند امام عشق، معجزه می قرن،

حضرت روح الله الموسوی الخمینی (ره)

بادرود فراوان به پدر بزرگوارم،
و پاس یکران برهدلی و همگامی مادر دلسوز و مهربانم،
و قدردانی از حمایت ها و پشتیبانی های بی دریغ همسر عزیزم .
و با تقدیر و تشکر شایسته از استاد فریخته و فرزانه حضرت آیه الله العظمی عباسعلی روحانی
که با نکته های ظریف و گفته های بلند،
همواره راه ما و راه گشای بخارنده در اتمام و کمال پایان نامه بوده است .

چکیده:

هنر ریشه در احساسات عالی انسانی دارد و از فطرت زیبایی طلب انسان، سرچشمه می گیرد. مقوله ی هنر شمشیری دو لبه است که اگر به دست علم و دین، مدیریت نشود و در اختیار جهل و انحراف قرار گیرد، به خطرناک ترین ابزار کژ روان تبدیل می شود.

از جمله هنرها، هنرهای تجسمی است که حسّ بینایی را مخاطب قرار می دهد و شامل هنرهایی مانند خوشنویسی، گرافیک، نقاشی و مجسمه سازی و... است و در این میان نگارگری (نقاشی) و تندیس سازی (مجسمه سازی) دو شاخه ی قابل توجه و پر ماجرای هنرهای تجسمی اند که در متن قرآن کریم و کتب حدیث و کتابهای فقهی، از آنها سخن رفته است.

هدف از نگارش این پایان نامه بررسی فقهی تندیس و نگاره است با محوریت آراء امام خمینی (ره)، به همین منظور برای روشن شدن حکم مجسمه سازی و نقاشی اقوال و نظرات فقهای متقدم و متاخر بررسی می شود که می توان تمامی آنها را در پنج نظریه ی اصلی خلاصه کرد:

1. حرمت تصویر به طور کلی (مجسمه و نقاشی، جاندار و بی جان)

2. حرمت تصویر جاندار به طور کلی (مجسمه و نقاشی)

3. حرمت مجسمه به طور کلی (جاندار و بی جان)

4. حرمت مجسمه جاندار فقط

5. عدم حرمت تصویر (مجسمه و نقاشی، جاندار و بی جان)

که ادله و مبانی هر 5 نظریه بررسی و تحلیل می شود.

امام خمینی (ره) معتقد به حرام بودن مجسمه ی جانداران هستند و بیشتر روایات را مورد اشکال و مناقشه قرار می دهند و آنها را قابل اعتماد و استناد برای صدور حکم شرعی نمی دانند.

در آخر با توجه به عنصر زمان و مکان و تاثیر آن در اجتهاد به این نتیجه می رسیم که اگر در هر عصری بر مجسمه سازی، مفسده بت پرستی و شرک مترتب شود، حکم به حرام بودن آن خواهد شد، ولی اگر مجسمه سازی عنوان و مصداق تقویت و ترویج فرهنگ دینی باشد جایز است و این تغییر و تبدیل احکام الهی نیست بلکه این تبدیل و تحول در موضوع و مناط است.

واژگان کلیدی: تندیس، نگاره، تندیس گری، نگارگری، فقه اسلامی، امام خمینی (ره).

ملخص:

وتمتد جذور المشاعر في الطبيعة البشرية، وجمال الفن ورغبة الرجل يأتي. إذا كان سيف ذو حدين وهذا هو موضوع الفن والعلم والدين والجهل والتشويه ليس مدير الخيط العقلية يصبح الأداة الأكثر خطورة.

بما في ذلك الفنون، الفنون البصرية، والتي تعطي الجمهور حاسة البصر، وتشمل الفنون مثل الرسم فن الخط، التصميم الجرافيكي والنحت و... وبناء لوحات مصغرة والنحت (نحت)، وفرعين لافتة للنظر والمغامرة الفنون الحديث والفقهاء كتب في القرآن، وذهب للكلمة.

الغرض من كتابة هذه الرسالة هو دراسة التماثيل واللوحات الدينية التي تدور حول أفكار الإمام الخميني ره، من أجل توضيح ترتيب النحت والرسم، ودرس في وقت لاحق الكلمات والأفكار من العلماء في وقت سابق ويمكن تلخيص كل منهم في خمس نظريات رئيسية هي:

1. احترام الصورة العامة (النحت واللوحات، الحية وغير الحية)

2. الحظر العام من الصور الحيوانية (المنحوتات واللوحات)

3. تمثال دنس في عام (الحية وغير الحية)

4. تمثال فقط يعيشون دنس

5. عدم احترام صورة (النحت والرسم والحية وغير الحية)

ويتم تحليل كل الحجج والأسس 5 من النظرية.

انهم يعتقدون ان التماثيل الحيوانية من القصص الخاطئة والمزيد عن الأشكال وجعلها موثوقة وإحالة النزاع إلى أوامر دينية لا أعرف.

وأخيراً، فإن عنصر الزمان والمكان وأثره على الاجتهاد وصلت إلى نتيجة مفادها أن في كل عصر وثنية يتم تطبيق النحت والفساد وعبادة الأصنام، سيتم حكموها غير قانوني، ولكن كما النحت والثقافة الدينية هي القوة الحقيقية لهذا التعديل جائز وليس القانون الإلهي ولكن تغيير في هذا الموضوع، وعلى المناطق.

كلمات البحث: النحت، الرسم، الصب النحت والرسم، الفقه الإسلامي، الإمام الخميني (ره).

Abstract:

High emotions are rooted in human nature, the beauty of art and the desire of man comes. If the double-edged sword that is the subject of art and science, religion and the ignorance and distortion is not Manager, Mental floss becomes the most dangerous tool.

Including arts, visual arts, which gives the audience the sense of sight and includes arts such as calligraphy, graphic design, painting and sculpture and ... And the Miniature Paintings and sculpture building (sculpture), the two branches are remarkable and adventurous arts Vktb hadith and fiqh books in the Quran, the word is gone.

The purpose of writing this thesis is the study of religious statues and paintings revolving around the ideas of Imam Khomeini (RA) In order to clarify the order of sculpture and painting, and later studied the words and ideas of earlier scholars All of them can be summarized in five main theories:

1. Respecting the general picture (sculpture and paintings, animate and inanimate)
2. General prohibition of animal images (sculptures and paintings)
3. Statue desecrated in general (animate and inanimate)
4. Just living statue desecrated
5. Lack of respect for Picture (sculpture, painting, animate and inanimate)

The arguments and every 5 foundations of the theory are analyzed.

Imam Khomeini (ra) believed that the sinful animal sculptures and more stories about the problems and conflicts are and they do not know reliable basis for a religious verdict.

Finally, the element of time and space and its effect on ijti had reached the conclusion that in every age the sculpture, corruption and idolatry Idolatry is applied, it will be ruled unlawful, But as sculpture and religious culture is the true strength of this modification is permissible and not divine law but a change in subject.

Keywords:sculpture,painting, sculpture casting, painting, Islamic jurisprudence, Imam Khomeini.

فهرست مطالب:

1.....	مقدمه
5.....	فصل اول: کلیات
6.....	گفتار اول: تعریف مفاهیم
14.....	گفتار دوم: تاریخچه و پیشینه
14.....	مبحث اول: تاریخچه تندیسگری
19.....	مبحث دوم: تاریخچه نگارگری
22.....	گفتار سوم: چیستی و ماهیت
22.....	مبحث اول: هنرهای تجسمی و چیستی آن
31.....	مبحث دوم: چیستی تندیس و انواع آن
35.....	مبحث سوم: چیستی نگاره و انواع آن
45.....	گفتار چهارم: جنبه های مثبت و منفی تندیس و نگاره
45.....	مبحث اول: مضرات
48.....	مبحث دوم: فواید
61.....	گفتار پنجم: هنر دینی
61.....	مبحث اول: تعریف و ماهیت هنر دینی
73.....	مبحث دوم: اصول کلی حاکم بر هنر دینی
78.....	گفتار ششم: هنر دینی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری
78.....	مبحث اول: دیدگاه امام خمینی (ره)
90.....	مبحث دوم: دیدگاه مقام معظم رهبری

97	فصل دوم: حکم شرعی تندیس و نگاره
98	گفتار اول: آراء فقهی و جایگاه آن
99	مبحث اول: نظریه حرمت تصویر به طور کلی (مجسمه و نقاشی، جاندار و بی جان)
101	مبحث دوم: نظریه حرمت مجسمه و نقاشی جانداران
104	مبحث سوم: نظریه حرمت مجسمه سازی به طور کلی (جاندار و بی جان)
104	مبحث چهارم: نظریه حرمت مجسمه جانداران فقط
106	مبحث پنجم: نظریه عدم حرمت تصویر به طور کلی (مجسمه و غیرمجسمه، جاندار و بی جان)
111	گفتار دوم: مبانی و مستندات حرمت نقاشی و مجسمه سازی به طور کلی (جاندار و بی جان)
140	گفتار سوم: مبانی و مستندات حرمت نقاشی و مجسمه سازی جانداران
152	گفتار چهارم: مبانی و مستندات حرمت مجسمه جانداران
165	گفتار پنجم: مبانی و مستندات حرمت نگه داری مجسمه و تصویر
174	گفتار ششم: مبانی و مستندات جواز نقاشی و مجسمه سازی به طور کلی (جاندار و بی جان)
174	مبحث اول: جواز نگه داری و خرید و فروش مجسمه و نقاشی
181	مبحث دوم: جواز مجسمه سازی و نقاشی
186	گفتار هفتم: تندیس و نگاره از دیدگاه فقهی امام خمینی (ره)
196	گفتار هشتم: نقش زمان و مکان در اجتهاد و تاثیر آن در موضوع تحقیق
203	گفتار نهم: کاربرد تندیس و نگاره در عصر حاضر
207	گفتار دهم: نظریه مختار و نتیجه گیری
210	منابع و مأخذ

مقدمه:

1. بیان مسئله: انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین پدیده های سیاسی - اجتماعی قرن بیستم، نه تنها موجب تحول و دگرگونی در حوزه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران گردید، بلکه در حوزه نظریه های فرهنگی - هنری نیز تحولی عظیم ایجاد نمود به گونه ای که می توان انقلاب اسلامی را یک انقلاب فرهنگی نامید.

فرهنگ هر ملت را تمدن، بزرگان، مشاهیر و دین و آیین و... آن ملت رقم می زنند و هنر نیز یکی از مهمترین مؤلفه های فرهنگ است. هنر ریشه در احساسات عالی انسانی دارد و از فطرت زیبایی طلب انسان، سرچشمه می گیرد. در جهان امروز، نتایج و آثار هنر در تعلیم و تربیت و بهداشت روانی جامعه و تاریخ و جامعه شناسی و دیگر علوم انسانی، جایگاهی بلند دارد. علم و دین و هنر، سه عرصه بزرگ در تاریخ تمدن انسان است و تاریخی به قدمت تاریخ خلقت انسان دارد. مقوله ی هنر شمشیری دو لبه است که اگر به دست علم و دین، مدیریت نشود و در اختیار جهل و انحراف قرار گیرد، به خطرناک ترین ابزار کژ روان تبدیل می شود و کژ اندیشی و شرک و بت پرستی را نمایندگی می کند؛ هم چنان که در دوره هایی از تاریخ بشر، چنین شده است. در داستان حضرت موسی علیه السلام می بینیم که پس از رهسپاری آن حضرت به کوه طور و طولانی شدن زمان ملاقات از سی روز به چهل روز، سامری با بهره گرفتن از هنر ریخته گری و پیکر تراشی و سوء استفاده از زر و زیور زنان، گوساله ای پدید می آورد و با آگاهی از شیوه حرکت هوا و ایجاد صوت در اثر گذر از پیچ و خم ها، صدایی برای آن می آفریند و زمینه ی گمراهی امتی را فراهم می سازد.¹

سیاست های هنری نظام جمهوری اسلامی، بر نگاه اسلام و مکتب فقهی اهل بیت علیهم السلام به مقوله ی هنر، استوار است و نظراتی را که هنرمندان دینی و انقلابی بر پایه ی دین و عقل در این عرصه ارائه داده اند، امروزه در دنیا توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. هنرهای تجسمی که حسن بینایی را مخاطب قرار می دهد و شامل هنرهایی مانند خوشنویسی، طراحی، عکاسی، دکوراسیون، گرافیک، نقاشی و مجسمه سازی است، بخش مهمی از هنر است و در این میان نگارگری (نقاشی) و تندیس سازی (مجسمه سازی) دو شاخه ی قابل توجه و پر ماجرای هنرهای تجسمی اند که در متن قرآن کریم و کتب حدیث و کتابهای فقهی، از آنها سخن رفته است و آثار مثبت و منفی این دو شاخه ی هنری در زندگی بشر، از آغاز تا کنون، بر کسی پوشیده نیست. تاثیر هنر نگارگری که به گفته پژوهشگران، تاریخی پیش از پیدایش خط دارد، تاثیری شگفت است. نقاشی بحیرای راهب از چهره ی پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دوران جوانی و

¹ .سوره طه: آیات 85 تا 88.

هنگامی که به سفر بازرگانی شام رفته بود و نگاره ای که به این پدیده تاریخی منسوب است، در حضرت امام خمینی (ره) آن چنان تاثیری می گذارد که در واکنش به آن، شعر زیبایی: من به خال لبث ای دوست گرفتار شدم... را می سراید. حضرت امام خمینی (س) در یکی از نامه های مهم و راهگشای خود که هفت ماه پیش از ارتحال ملکوتی اش، می نویسد، فرازی دارد که توجه به آن، ما را در تحقیقی که پیش رو داریم، جهت دهی می کند، امام می نویسد: ... اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی، حرفهای فقهاء و صاحب نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحث ها و مسائل است، مثلاً... در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم چون عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره...¹ امام خمینی گویا مباحث انجام شده در این مقولات را کافی ندانسته و معتقد است برای اداره جامعه و توانمندسازی فقه، باید این مسائل را با نگاهی نو، مورد بازنگری قرار داد؛ چه اینکه بلافاصله و در ادامه می نویسد: در حکومت اسلامی، همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام، همواره اقتضاء می کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه های مختلف و نو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود.

دیدگاه فقهی امام خمینی (ره) در شاخه های هنر نگارگری و تندیس سازی و بررسی مبانی نظری آن و امکان تاثیر مبنای فکری و مهم امام تحت عنوان نقش زمان و مکان و تاثیر آن در اجتهاد، نسبت به این موضوع، مسأله ای است که این تحقیق در صدد واکاوی و پژوهش آن است.

2. ضرورت و اهمیت موضوع:

حضور گسترده دین در عرصه اداره جامعه اسلامی که به برکت انقلاب اسلامی، اتفاق افتاد، سبب گردید تا نگاه هنر و هنرمندان، هنرجویان و هنردوستان و سیاست گذاران و برنامه ریزان و مدیران فرهنگی و هنری نیز به فقها و دین شناسان، معطوف گردد و دیدگاه دین و حکم فقهی را بر کارهای هنری عموماً و بر نگارگری و تندیس سازی خصوصاً، جویا گردند. با توجه به شکل گیری نظام دینی در جامعه ما و نیاز مبرم به گونه های مختلف هنری و توجه خاص به هنرهای تجسمی، به نظر نگارنده، نباید و نمی توان با اندیشه های گذشته و تحقیقات تک ساحتی سابق و بدون درک شرایط دگرگون شده ی زمانی و مکانی و غافل از توانمندی ابزار هنر در انتقال سریع و اثرگذار پیام ها، به پاسخگویی نیازهای عرصه ی هنر پرداخت و به دور از جهت گیریهای هنری، به جواب هایی نظیر جایز است یا جایز نیست، اکتفا کرد که این گونه برخوردها، ظلمی به دین و ستمی بر هنر خواهد بود و به خوبی روشن است که بی پاسخ گذاشتن پرسشهای هنر از دین، مدیریت هنر را به سمت و سویی روانه خواهد کرد که جز انحراف و ناهنجاریهای اخلاقی، حاصلی نخواهد داشت، چرا که هنر

¹ . صحیفه امام، بی چا، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، بی تا، ج 21، ص 176 و 177.

در جان و روح انسانی نهادینه شده و بی توجهی به آن و رها کردنش در وادی شک و تردید تنها باعث منحرف شدن آن می گردد و این ابزار مهم و حیاتی که می تواند در خدمت دین و اخلاق باشد و فوایدی بسیار گرانبها برای بشریت به ارمغان آورد، وسیله ای می شود در اختیار مستکبرین و ظالمین برای ابتدال و انحراف و بی اخلاقی و به قهقرا بردن انسانیت، کما اینکه امروزه در بسیاری از هنرها از جمله هنرهای تجسمی شاهد آن هستیم. بنابراین پرداختن به تحقیقاتی در موضوعاتی این چنین زنده و مورد نیاز، از ضرورت و اهمیتی فراوان، برخوردار است.

3. نحوه ارتباط موضوع با حوزه مطالعاتی امام و انقلاب:

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، کوشیده است تا در همه ی میدان های فعالیت علمی و اجتماعی به نوآوری های دینی و پاسخ گویی به نیازهای روزمره ی جامعه، بپردازد و از هنر به بهترین وجه برای اعتلای اسلام در سرتا سر جهان استفاده نماید. امام خمینی (ره) که فقهی شجاع و نوآور و مرجع تقلیدی بی بدیل و بنیانگذار نظامی دینی و اسلامی بود، آراء و فتاوایش، اساس مقررات و قوانین جمهوری اسلامی شد و تحقیق پیش رو نگاه فقهی امام را به تندیس سازی و نگارگری، بررسی می کند و ارتباط روشن و وثیقی با حوزه ی مطالعاتی امام از سویی و انقلاب اسلامی، از سوئی دیگر دارد.

4. پیشینه پژوهش موضوع و جنبه های جدید این پژوهش:

موضوع نقاشی و مجسمه سازی به دلیل سابقه طولانی در تاریخ زندگی انسان و آثار مثبت و منفی که داشته است، از دیرباز مورد توجه و بررسی بوده و علمای اسلام به تبعیت از قرآن و سنت، در کتابهای فقهی خود به آن پرداخته اند، فقهای شیعه و سنی، این بحث را در مباحث مربوط به لباس و مکان نمازگزار و درمکاسب محرّمه، مطرح کرده و از احکام آن سخن گفته اند. نگاه حاکم بر تحقیقات گذشته، نگاه حرمت و عدم جواز نقاشی و مجسمه سازی و حداقل از موجودات جاندار بوده است. در آن روزگار جنبه های مفید و مثبت این دو هنر یا دیده نمی شد و یا تحت الشعاع آثار مخرب و منفی آن قرار داشت.

در دوره های معاصر و خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بر اساس تقاضا و نیاز دنیای هنر، پژوهشگران، به این دو موضوع، توجه بیشتری کردند و مقالات، پایان نامه ها و کتاب هایی را در این خصوص به رشته تحریر درآوردند.

کتاب بررسی فقهی نقاشی و مجسمه سازی: از آقای حسین میرزاخانی در 112 صفحه در سال 1366 توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه به چاپ رسیده است. این کتاب ترجمه بخش صورت و تصویر مکاسب محرّمه مرحوم شیخ اعظم انصاری (ره) است که نویسنده با اضافه کردن اقوال عدّه ای از فقها و علمای متقدم و متأخر و دسته بندی کردن موضوعات، به آن شکلی جدید

داده است و نوآوری دیگری ندارد. پایان نامه ای با عنوان «بررسی فقهی موسیقی - تصویر و مجسمه سازی در مذاهب خمسسه اسلامی» از آقای جواد قلی نژاد به راهنمایی آقای حسین کریمی در دانشگاه قم، تدوین و در سال 1380 دفاع شده است، این پایان نامه در پنج فصل به بررسی آرای فقههای عامه و خاصه در موضوعات یاد شده پرداخته و عمده ی توجه آن به مقایسه و تطبیق اقوال و آراء عامه و خاصه است. پایان نامه ی دیگری با عنوان «بررسی فقهی هنرهای تجسمی در اسلام» از آقای علی خلفی به راهنمایی آقای دکتر محمد سپهری در سال 1384 در دانشگاه تهران تدوین و دفاع شده است که در این پایان نامه، به قابل تغییر بودن حکم مجسمه سازی اشاره شده است؛ مقالات گوناگونی هم در زمینه نقاشی و مجسمه سازی در مجلات مختلف، به رشته تحریر در آمده است که غالباً به جنبه های خاصی از موضوع پرداخته است. نوآوری تحقیق پیش رو در این است که اولاً آراء فقهی حضرت امام خمینی (س) را محور مباحث قرار می دهد و با توجه به دگرگونی آثار و نتایج این دو هنر و امکان تغییر حکم و تاثیر شرایط جدید در اجتهاد که مبنای پویایی فقه شیعه در دیدگاه حضرت امام است، به بررسی موضوع می پردازد و ثانیاً پیدایش موضوعات جدید در عرصه ی نقاشی و مجسمه سازی از قبیل نقاشی کاریکاتوری، کارتونها و انیمیشنها، ساختن رباتهایی به شکل انسان و حیوان، اسکلت های انسانی و حیوانی که در آموزشها و پژوهشهای پزشکی کاربرد دارد، تزئین غذاها با اشکالی از جانداران مانند پرنده ها و ماهی ها، که در زمان صدور نواهی شرعی، وجود خارجی نداشته است و بررسی اجمالی تفکر فنگ شویی که معتقد به انرژی زا بودن مجسمه هستند را به بحث می گذارد.

فصل اول: کلیات

گفتار اول: تعریف مفاهیم:

تعریف هنر:

هنر یک واژه کهن اوستایی است و در زبان فارسی از پیشوند «هو» بمعنی خوب و واژه «نر» بمعنی مردانگی و توانایی پیوند یافته و «هونر» بمعنی «خوب توانی» بکار رفته است. از تعریف هایی که در کتاب های لغت برای هنر آمده است و آن را علم و معرفت و دانش و فضل و فضیلت و کمال و یا به کیاست، فراست و زیرکی و یا به آن درجه از کمال آدمی که هوشیاری و فراست و فضل و دانش را در بردارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران می نماید و یا به صنعت و حرفه و شغل و پیشه و کسب معنا کرده اند¹ می توان پی برد که این کلمه از واژه های دشواری است که به راحتی نمی توان از مفهوم روشن و شناخته شده آن، تصویری در قالب حروف و الفاظ، ارائه کرد. شاید این تعریف از اریک نیوتون که می گوید: کشف زیبایی های طبیعت به وسیله عاطفه و خیال و نشان دادن آنها به دیگران را هنر می گویند، تا حدودی به واقعیتی که همگان از هنر درک می کنند، نزدیکتر باشد ولی همین تعریف نیز با چالشهای بسیاری مواجه است.

در زبان یونانی واژه ای برای هنر نیست و در زبانهای فرنگی واژه ی «آرت» که امروز بکار می برند به معنی صنعت است و در معنی هنر تازه بکار رفته است و برای معنی هنر رسا نیست. در زبان عرب نیز واژه ئی برای هنر نیست و برای هنر واژه «الفن» را که از فارسی گرفته اند بکار می برند و بدان «الفنون الجمیله» گویند و به هنرمند «فنان». صنایع ظریفه و مستظرفه نیز از ساخته های فارسی زبانان است و این معانی نیز برای هنر رسا نیست. در زبانهای اروپایی منظور از «آر» یا «آرت» بیشتر هنر نقاشی بوده است و بعد آن را به پیکرسازی و شعر و موسیقی و رشته های دیگر گفته اند.²

موضوع اصلی علم زیباشناسی، پاسخ دادن به این سؤال است که «هنر چیست؟»
عده ای می گویند: «هنر زیبایی است» و از ویژگی های عامی که همه برای هنر نام می برند، «ویژگی زیبایی آن است» یا «هر چیز که ساخته ی آدمی و زیبا باشد»³ همان گونه که هر یک از علوم، زبان و الفبای خاص خود را دارد و با اصول و ضوابط ویژه ای تدوین و تعریف می شود و با معیارهای خاص خود سنجیده و ارزیابی می گردد، دانش هنر نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این تفاوت که در عرصه ی هنر هیچ قاعده و قانونی مطلق، قطعی و غیر قابل تغییر نمی باشد. زیرا که هنر مستقیماً با جریانات روحی و فکری انسان در ارتباط است که آن هم همواره دستخوش تغییر و تحول است. این همه اختلاف نظر درباره ی هنر ناشی از تنوع جنبه های ذوقی، روحی و فکری افراد است.

¹ . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، پاییز 73.

² . یکتائی، مجید، مقاله هنر چیست؟، سایت <http://artedu.ir> / پایگاه اطلاع رسانی سازمان آموزش حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

³ . بیات، طاهره، مقاله هنر چیست؟، سایت حوزه <http://www.hawzah.net>

خصوصاً تعاریف و تعبیری که هر یک از متفکرین و فلاسفه از آن به دست داده اند، نسبی بودن این تعاریف را مشخص می کند.

در اینجا نمونه ای از تعاریف را مطرح می کنیم:

بندتو کروچه، فیلسوف ایتالیایی معتقد است: هنر و زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و بتوان آن را با شرایط و موازین تعریف کرد. به تعبیر او هنر کیفیت ذهن انسان در برابر محسوسات و پدیده هاست.¹

فرانسیس بیکن معتقد است: هنر انسان است که بر طبیعت افزوده شده است، او می خواهد با استفاده از هوش، ذکاوت، دانش و معرفت نظری خود شکل طبیعت را تغییر داده، مواد اولیه را به اشیاء مفید و با ارزش تبدیل کند.

امیل زولا نیز می گوید: هنر عبارت است از طبیعت که از خلال مزاج و روحیه ی شخص دیده می شود. اما تعریف هگل اهمیت و اعتبار هنرمند را بیشتر می کند، زیرا او به ذهن خلاق هنرمند ارزش می دهد. او معتقد است: هنر اندیشه است که می خواهد بر ماده سرکش چیره گردد. یا اینکه هنر امر محسوس را روحانی و امر روحانی را محسوس جلوه می دهد... از نظر او انسان به منزله ی بخشی از طبیعت، از محیط خارجی خود تعیین می پذیرد و تا اندازه بسیاری به انگیزه ی نیازهای گوناگون مادی و جسمانی خود عمل می کند زیرا که گرفتار آن دستگاه کلی ضرورتی است که طبیعت نام دارد. پس زیبایی طبیعت بیشتر به سبب پایان ناپذیری اعیان طبیعی، ناقص است. از این رو اگر ذهن آدمی بخواهد که مطلق را در صورت محسوس به حد کمال دریابد باید از طبیعت بالاتر رود و خود اعیان زیبا بیافریند... اینجاست که ضرورت هنر آشکار می شود. تنها هنر است که به راستی زیباست. زیبایی طبیعت به همان اندازه از زیبایی هنری پست تر است که طبیعت از روح؛ زیرا هنر آفریده ی روح است... به نظر هگل کار هنر، تقلید کور کورانه از طبیعت نیست؛ برعکس هنر باید خود را از بند عوارض خارجی محض و احتمالات بی معنای طبیعت برهاند چ. هنر تا جایی که چیزهای طبیعی را موضوع خود می نهد وظیفه اش آن است که این چیزها را از قیود غیر ذاتی و خشن و بی روح احتمالات و عوارض خارجی که پیرامون آن چیزها را گرفته و معنایشان را تیره کرده پیراسته کند و فقط آن ویژگی هایی را نشان دهد که جان باطن یا وحدت موضوع را ظاهر می سازد.²

هربرت رید نیز می گوید: ساده ترین و معمولی ترین تعریف هنر این است که بگوییم هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت بخش. این صور حسن زیبایی ما را ارضاء می کنند و حسن

¹ . حلیمی، محمد حسین، اصول و مبانی هنرهای تجسمی (زبان بیان: تمرین)، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات احیاء کتاب، بی جا، 1384، ص

9.

² . همان، ص 10.

زیبایی وقتی ارضاء می شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حسّی خود دریافت کرده باشیم.

فیلیسین شاله، نویسنده و فیلسوف فرانسوی نیز چنین بیان می کند: هنر عبارت از کوششی است برای ایجاد یک عالم ایده آل، یک عالم صور و عواطف بی آرایش، در کنار عالم واقعی.

بعد از نظر ایده آلیستی فیلیسین شاله، اینک تعاریفی را که با توجه به جنبه های جامعه شناسی ایراد شده است از نظر می گذرانیم: ارنست فیشر چنین بیان کرده است: هنر روزنه ایست که انسان از آن به فراخنای جهان وارد می شود. به نظر او هنر پدیده ای است که تقریباً به سالمندی بشر است و در نتیجه مشروط به زمان است و با اندیشه ها و خواست ها و نیازها و امیدهای یک موقعیت تاریخی ویژه مطابقت دارد.¹

در مقابل نگرش های تاریخی، فلسفی و علمی، بینش های دیگری هنر را با مذهب ارتباط می دهند و برای آن همانند مذهب یک هدف قائلند. مرحوم دکتر علی شریعتی می گوید: دین دری است به طرف عالم دیگری که باید باشد و هنر پنجره ایست به آن دنیا. همچنین: هنر تجلی غریزه ی آفریدگاری انسان است و تجلی روح انسان که از کمبود عالم می نالد و نمایشگر آفرینش های اوست تا آنرا تکمیل نماید. و اضافه می کند: هنر، قلم صنع فرزندان آدم است که از بهشت به زمین، افکنده شد می کوشد تا زمین زشت و افسرده را به گونه ی بهشتی که جایگاه شایسته ی او بوده و هست آرایش کند. از نظر شریعتی هنر یک مقوله ی دینی است و یک حقیقت متعالی و مقدّس است که نجات بخش بشریت می باشد و همچنین یک رسالت فوق مادی و متعالی و صد در صد انسانی دارد. بدین جهت است که هنر را یک سرگرمی نمی داند و به عنوان یک وسیله که اوقات فراغت را پر کند و لذّت های مادی ایجاد کند، آنرا نمی شناسد، زیرا که این سپردن پست ترین شغل به مقدس ترین موجود است.²

و نیز سید شهیدان اهل قلم، شهید آوینی در تعریف هنر می گوید: هنر، شیدایی حقیقت است همراه با قدرت بیان آن شیدایی و «هنرمند» کسی است که علاوه بر شیدایی حق، قدرت بیان آن را نیز از خداوند متعال گرفته است. هر یک از این دو (شیدایی و قدرت بیان آن) اگر نقص داشته باشد، اثری هنری خلق نمی گردد. اگر حنجره بلبل بیمار شود، شیدایی او در درونش حبس می شود و فرصت تجلی پیدا نمی کند؛ هرچند که شیدایی در درونش وجود دارد اما قدرت بیان آن نیست و اگر شیدایی نباشد، از حنجره سالم صدایی بر نمی آید. اصل لازم، «شیدایی حق» است و «قدرت بیان» شرط کافی است.

1. حلیمی، محمد حسین، اصول و مبانی هنرهای تجسمی، ج 1، ص 11.

2. همان، ص 12.

تعریف های دیگری از هنر:

- هنر تلاش و کوشش برای پدید آوردن زیبایی است؛ و این وقتی است که انسان احساساتی را که خود آزمایش کرده به گونه ی زیبا و جالب و جذاب به دیگران انتقال دهد.
 - هنر تلاش و کوششی است که انسان برای پدید آوردن گونه های لذت بخش به عمل می آورد.
 - هنر کوششی است از انسان برای تصویر تأثرات ناشی از حقایق هستی که در حس او ایجاد می شود؛ تصویری زنده و مؤثر.
 - هنر، تنها زاینده دست نمی باشد تا بتوان آن را بیان کرد بلکه اصل آن از اعماق وجود انسان است و لذا زبان از بیان و توصیف آن عاجز است.
 - هنر نردبان اضطراری در آسمان روح می باشد.
 - دهان گشایی روح است همانگونه که دهان به آه و نیاپش و خمیازه و دشنام و لبخند و... گشوده می شود.
 - کاری است که معنی و ارزش و حتی واقعیت هایی را که در اشیاء نهفته است می نمایاند و گویای آنهاست .
 - هنر عملی است منبعث از شناخت و آگاهی کامل از امری که ثمره آن زیبایی و جمال است .
 - مجموعه ای از علامت ها و رمزها ، که زیبایی خاصی را می نمایاند .
 - کاری ظریف و زیبا که از روح پاک و پر احساس و لطیف سرچشمه می گیرد.
- هیچ یک از این تعریفها را نمی توان تعریف منطقی ، یعنی جامع و مانع به حساب آورد... در هر حال آنچه می توان گفت این است : هنر کیفیتی معنوی است که می توان از راه آثار و خواصش آن را شناساند نه از راه ماهیت واقعی آن . به سخن دیگر گوهر هنر، یک حقیقت معنوی است که روح بشر آن را به طور غیر اکتسابی درک می کند، ولی نمی تواند از آن توضیحی ارائه دهد...¹
- آنچه از جمیع این تعاریف می توان دریافت ، این است که در اکثر تعاریف وجه مشترکی وجود دارد و آن این است که « هنر زیبایی است » ، در واقع از ویژگی های عامی که همه برای هنر نام می برند ، ویژگی زیبایی آن است یا هر چیزی که ساخته ی آدمی و زیبا باشد . نیت اکثر هنرمندان ، لذت بخشیدن است ، ساده ترین و معمول ترین تعریف هنر این است که بگوییم هنر کوششی است برای آفرینش صورتهای لذت بخش... البته این همه ی تعریف هنر نیست زیرا در فرهنگ دینی هدف از

¹ . مقاله هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی، ص 11.

هنر و خلق آثار هنری تنها لذت بخشیدن و ارضای حس زیبایی خواهی نیست بلکه هدف از آن رشد و تعالی انسان است که به این مهم در بخش های بعدی خواهیم پرداخت.

تعریف هنرهای تجسمی :

هنر تجسمی ترکیبی وصفی و حاصل از ترکیب موصوف هنر و وصف تجسمی است. هنرهای تجسمی که به آن گاهی هنرهای بصری یا دیداری نیز گفته می شود ، آن گروه از هنرهای مبتنی بر طرح است که مشخصاً حس بینایی را مخاطب قرار می دهند. هنرهایی چون نقاشی ، خوشنویسی ، مجسمه سازی ، طراحی ، عکاسی ، گرافیک ، طراحی صنعتی ، معماری و طراحی داخلی و همچنین هنرهای مشتق از آن ها از این دسته اند .

امروزه هنرهای تجسمی را یکی از بهترین و مؤثرترین وسیله های ارتباطی می شناسند و آن را به صورت زبانی همگانی و بین المللی در آموزش و پرورش ، در زمینه های فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، صنعتی و به طور کلی در تمامی فعل و انفعالات فکری مورد استفاده قرار می دهند .

تا قبل از قرن بیستم ، آموزش هنرها صرفاً به شیوه های سنتی و مدرسه ای قدیم رایج بود اما از اوایل قرن حاضر هماهنگ با تغییرات و تحولاتی که در تمامی ابعاد زندگی و زمینه های علمی رخ داده ، شیوه های آموزش سنتی هنر نیز جای خود را به روش های جدید آموزشی داده ، و با وضع اصول و مبانی تازه ، امکان استفاده برای عموم فراهم شده است ...¹

هنرهای تجسمی با هنرهای نمایشی ، شنیداری و کلامی و دیگر انواع هنر متفاوت است ، هر چند این تقسیم بندی چندان محکم نیست . در حال حاضر و در کاربرد کنونی ، هنرهای تجسمی شامل هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی است ، هنرمند تجسمی به شخصی اطلاق می گردد که در زمینه های هنرهای زیبا ، هنرهای دستی و هنرهای کاربردی ، فعالیت می کند.²

هنرهای تجسمی عالی ترین تجلیات زبان بصری شمرده می شود که با آن می توان فراتر از زمان سیر کرد و آینده و افقهای دور را تجسم و تصویر نمود . ضمناً این زبان به علاقه مند ، نوعی توانایی می دهد که تمام دیده های بصری را اعم از طبیعی و یا مصنوعی بهتر و کامل تر ببیند و آثار هنری را دقیق تر بفهمد و پیام های آن را ادراک نماید.³ در مورد هنرهای تجسمی در بخش های بعدی توضیح بیشتری خواهیم داد .

تعریف نگاره « صورت ، تصویر ، نقاشی »

¹ . حلیمی، محمد حسین، اصول و مبانی هنرهای تجسمی، ج 1، ص 5.

² . دانشنامه آزاد ویکی پدیا ، سایت <http://fa.wikipedia.org>

³ . حلیمی، محمد حسین، اصول و مبانی هنرهای تجسمی، ج 1، ص 6.

نگاره به معنای شکل و نگار حاصل مصدر نگاشتن و نقش که بر کاغذ یا برجایی کشند و چیزی که با رنگ به دیوار و کاغذ کشند و نقشها و گل و بوته ها و اشکال هندسی و رنگارنگ که بر چیزی کشند است.¹

تصویر که جمع ان تصاویر است به معنای صورت کردن، نقش کردن و رسم نمودن است و گاهی به صورت و نقش و رسم و شبیه و نگار و بت نیز تصویر می گویند.²

صورت در لغت به معنای سیما، شکل، رخسار، پیکره و نقش، ظاهر، کیفیت و چگونگی و... می باشد و در اصطلاح یعنی توزیع خط و رنگ در یک سلسله تکرارهای معین. نقش حاکی از درجه ای از نظم در یک میدان محدود است؛ در یک تابلو نقاشی این میدان به قاب تابلو محدود می شود... غرض ساختمانی همه ی این انحای مختلف، عبارت از هماهنگی است و هماهنگی، حسن زیبایی ما را ارضا می کند.³

نقاشی عمل بکار بردن رنگ دانه محلول در یک رقیق کننده و یک عامل چسباننده (یک چسب) بر روی یک سطح (نگهدارنده) مانند کاغذ، بوم یا دیوار است. این کار توسط یک نقاش انجام می شود. این واژه بخصوص زمانی به کار می رود که این کار حرفه شخص مورد نظر باشد.⁴

تعریف تندیس « تمثیل، مجسمه »:

تندیس به معنای تن مانند است، چه دیس به معنای مانند است و به معنای صورت و تمثال و پیکر و کالبد و جثه نیز آمده است، اعم از انسان و حیوان دیگر.⁵

تمثال صورت نگاشته، تندیس، پیکر نگاشته، صورت و شکل و پیکر و تندیس و تندیس و تصویر و شبیه است.⁶

مجسمه به هر نوع اثر هنری که به صورت سه بعدی اجرا شده باشد، گفته می شود.⁷

مجسمه سازی، تندیسگری یا پیکرتراشی هنرهمگذاری یا ریخت دادن به اشیا است و ممکن است در هر اندازه یا با هر سازمانیه ای (مصالحی) انجام گیرد.

به فرآورده های این هنر، تندیس، پیکره یا مجسمه گفته می شود. هر پیکر سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می توان تندیس نامید.

¹ . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.

² . همان.

³ . هربرت رید، معنی هنر، مترجم: نجف دریا بندی، چاپ دوم، 1352، بی جا، ص 17.

⁴ . مکاری، مجید، مقاله ای از سایت راسخون، rasekhoon.net.

⁵ . دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.

⁶ . همان.

⁷ . اسمیت، ادوارد لوسی، فرهنگ لغات هنری، مترجم: فرهاد گشایش، چاپ دوم، انتشارات عفاف، 1381، ص 193.